رهنما

آستان قدس رضوی

۴۱

پرسش‌هایی از جنس عاشورا!

احمد نبوی



بسم الله الرحمن الرحیم

رهنما۴۱ (پرسش هایی از جنس عاشورا)

نویسنده:

اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رهنما۴۱ (پرسش هایی از جنس عاشورا)

مشخصات کتاب

سرشناسه : مطهری، مرتضی، ۱۲۹۸ - ۱۳۵۸.

عنوان و نام پدیدآور : پرسش هایی از جنس عاشورا/ گردآورنده معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی [آستان قدس رضوی].

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۴۰ ص.؛ ۱۱×۱۷س م.

فروست : رهنما.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۴۳-۷۲-۷

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتاب حاضر حاوی ۵ پرسش و پاسخ است که چهار پرسش و پاسخ آن از آثار شهید مرتضی مطهری گردآوری شده و پرسش و پاسخ پنجم توسط گردآورنده فراهم آورده و نگاشته شده است.

موضوع : مطهری، مرتضی، ۱۲۹۸ - ۱۳۵۸-- نظریه درباره واقعه کربلا

موضوع : واقعه کربلا، ۶۱ق -- پرسش ها و پاسخ ها

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده : موسسه انتشاراتی قدس رضوی

رده بندی کنگره : BP۲۳۳/۷ /م۶ پ۴ ۱۳۹۱

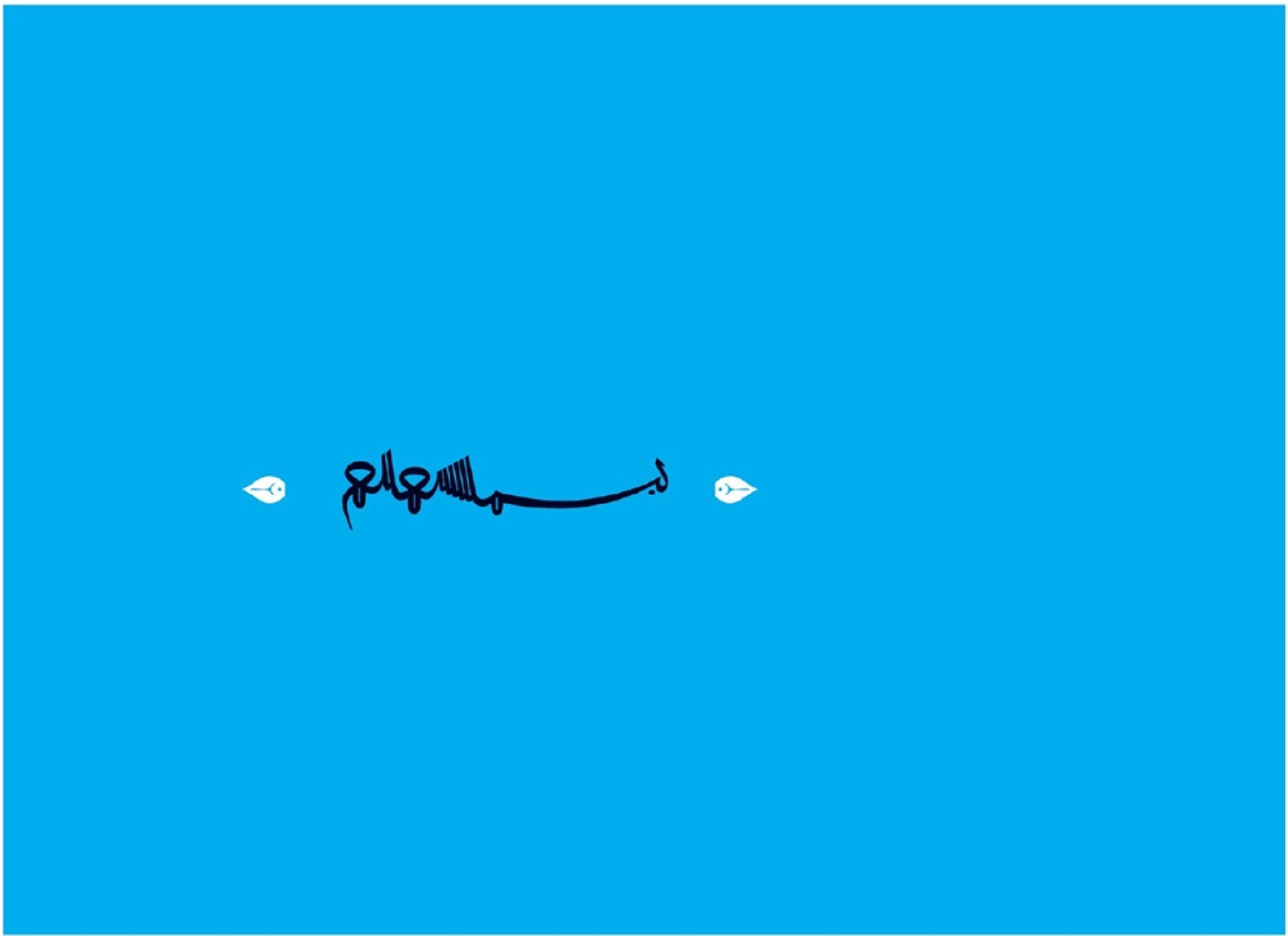
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۶۸۲۶۲

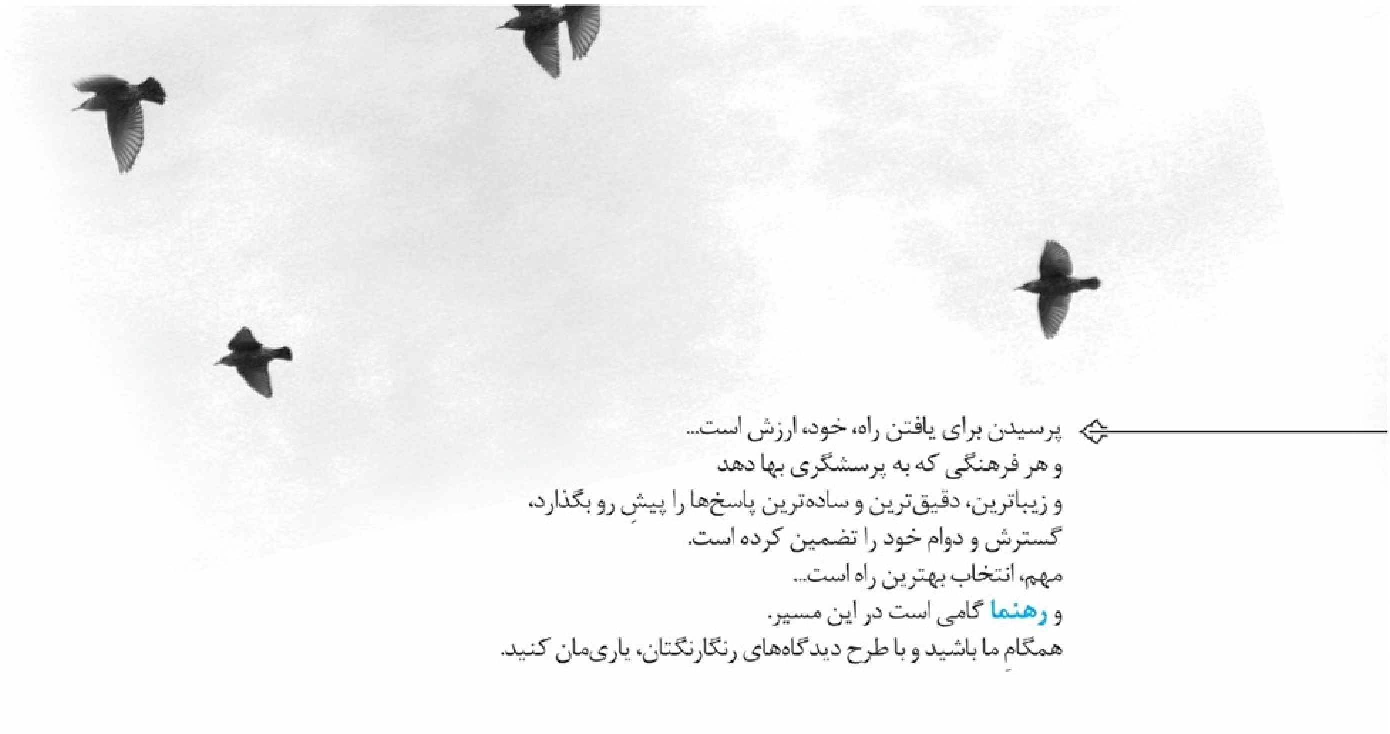
ص:۱

اشاره

تصویر



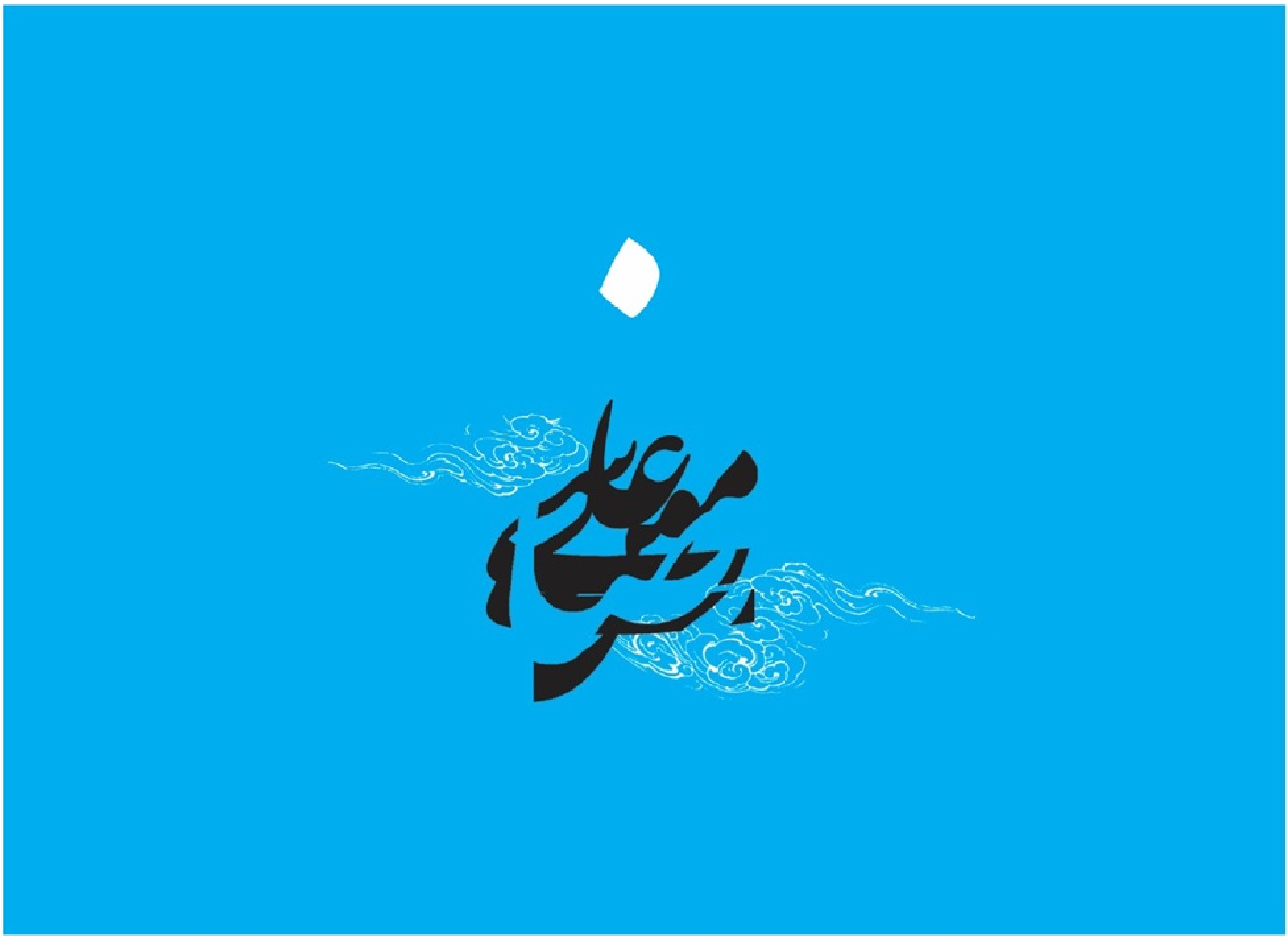
تصویر



ص:۳

پرسش هایی از جنس عاشورا

تصویر



ص:۴۰

پاسخ به پرسش های زیر انگیزه قلم زدن و انتشار این کتابچه است:

۱.چرا امام حسین در زمان معاویه قیام نکردند؟

۲.چرا اباعبدالله علیه السلام در سفر پر خطر ، اهل بیتشان را نیز همراه خود بردند؟

۳.چرا ائمه معصومین علیهم السلام ، این همه تاکید کردند که مجلس عزا به پا دارید؟

۴.نقش نخبگان سیاسی و فرهنگی در برابر نهضت امام حسین علیه السلام چگونه بود ؟ و امام چه واکنشی در برابر این جریان ها داشتند؟

ص:۵

درآمد

درآمد

شخصیت، نهضت و مکتب حسین بن علی همواره جذاب و پُرمخاطب بوده است و این اقبالِ وصف ناشدنی، شکل گیری و تولید آثار متنوع و متعددی را به همراه داشته است. دراین میان، نوع نگاه علامهٔ شهید، مرتضی مطهری، در ترویج فرهنگ عاشورا و تبیین صحیح شخصیت و رفتار امام حسین، ممتاز و ویژه است. چهار پرسش و پاسخی که با ویرایشی بسیار جزئی، تقدیم شما خوانندهٔ محترم می کنیم، نمونه ای از تلاش مبارک و ماندگارِ آن شهید می باشد. پرسش و پاسخ پنجم را گردآورنده فراهم آورده و نگاشته است.

ص:۶

۱. چگونگیِ رفتار امام در زمان معاویه

تصویر

۱. چگونگیِ رفتار امام در زمان معاویه

تصویر



چرا امام حسین در زمان معاویه قیام نکردند؟

برخی جواب می دهند: «چون در آن وقت، موضوع صلح امام حسن در بین بود و امام حسین نمی خواستند برخلافِ عهد برادرشان، رفتار کنند.» این سخن، درست نیست؛ زیرا، معاویه خودش آن پیمان را نقض کرده بود. قرآن کریم عهد و پیمان را محترم می شمارد؛ تا وقتی که دیگری، محترم بشمارد. قرآن نمی گوید اگر طرف نقض کرد، تو باز هم وفادار بمان؛ بلکه می گوید:]فَمَا اسْتَقَامُواْ لَكُمْ فَاسْتَقِيمُواْ لَهُمْ.[(۱) البته، عهد با کافر هم محترم است. پیغمبر اکرم با قریش، در حُدیْبیه، قرارداد بستند و چون نقض از ناحیهٔ آنان شروع شد، پیغمبر اکرم نیز آن قرارداد را ورق پاره ای بیش نشمردند.

۱- . توبه/ ۷.

سِرّ قیـام نکردن سیّدالشـهدا این بود که ایشـان فرصت بهتر و بیشتری را انتظار می کشـیدند. اسـلام، تاکتیک و انتظارِ فرصت بهتر را جایز، بلکه واجب می داند. مسلماً فرصت، بعد از مُردن معاویه، از زمان معاویه بهتر بود.

امام در زمان خودِ معاویه نیز ساکت نبودند: دائماً اعتراض می کردند؛ اکابرِ مسـلمین را، جمع و با آن ها صـحبت می کردند. نیز، به وسیلهٔ نامه ای که به معاویه نوشـتند، حضوراً با او محاجّه کردند. اما برای قیام به سِیف، بهترین وقت را در این دانسـتند که صبر کنند تا معاویه بمیرد. امام مطمئن بودنـد که معـاویه، یزیـد را نصب کرده تا بعـد از مُردن خود، مردم را به اطاعت از یزیـد، دعوت کننـد؛ بااین حال، از نظر امام، خلافت یزید چیزِ تازه و غیرمنتظره ای نبود.(1)

۱- . مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج۱۷، ص۴۹۰.

۲. علت همراهیِ خاندان امام حسین

تصویر



ص:۱۱

چرا اباعبدالله در این سفرِ پُرخطر، اهل بیتشان را نیز همراهِ خود بردند؟

تقریباً، به اتفاقِ آرا، به ایشان می گفتنـد: «آقا، رفتنِ خودتان خطرناک است و مصـلحت نیست؛ جانتان در خطر است... تا چه رسد که بخواهید اهـل بیت خود را هم با خودتان ببریـد.» اباعبـدالله جواب دادنـد: «نه، من بایـد آن ها را ببرم... .» در ادامه، ایشان به آن ها جوابی می دادنـد که دیگر نتواننـد دراین زمینه حرفی بزنند؛ به این ترتیب که جنبهٔ معنویِ مطلب را بیان می کردند. مکرّر شـنیده اید که ایشان به رؤیایی اسـتناد می کردند که البته در حکمِ وحی قاطع است: فرمودند که در عالم رؤیا، جدّم به من فرموده است: «إنّ الله شاءَ أنْ یَراکَ قتِیلاً.»

گفتنـد: «پس اگر این طور است، چرا اهـل بیت و بچه ها را همراهتان می بریـد؟» پاسـخ دادنـد که این را هم جـدّم فرموده انـد: «إنّ الله شاءَ أنْ یراهُنّ سبایا.» (= مشیّت خداU این طور قرار گرفته است

ص:۱۲

که ایشان را اسیر ببیند.)(۱)

در قرآن، کلمهٔ مشیّت خداU یا ارادهٔ خداU در دو موضع به کار رفته است که یکی را اصطلاحاً ارادهٔ تکوینی و دیگری را ارادهٔ تشریعی می گویند. ارادهٔ تکوینی، یعنی قضا و قدر الهی؛ و اگر چیزی، قضا و قدرِ حتمیِ الهی به آن تعلق گرفت، معنایش این است که در مقابلِ قضا و قدر الهی، دیگر کاری نمی شود کرد. معنای ارادهٔ تشریعی این است که خداU این طور راضی است؛ خداU این چنین می خواهد. مثلاً اگر دربارهٔ روزه می فرماید:]یُرید اللهُ بِکم الیُسر و لا یُرید بِکم العُسر[(۲) یا دربارهٔ پاکیِ اهل بیت می فرماید:]یُرید لِیُطهّرکُم[(۳) مقصود این است که خداU این چنین دستوری داده است و این طور

۱- . مجلسی، بحارالانوار، ج۴۴، ص۳۶۴.

۲- . بقره/۱۸۵.

۳- . مائده/۶.

می خواهد؛ یعنی، رضای حق در این است.

پس، اینکه خدا خواسته است که این ها اسیر باشند، یعنی اسارتِ این ها، رضای حق است؛ مصلحت است و رضای حق، همیشه در مصلحت است و مصلحت، یعنی جهتِ کمال فرد و بشریّت.

درمقابلِ این سخن، دیگر کسی چیزی نگفت؛ یعنی، نمی توانست حرفی بزند: «پس اگر چنین است که جدّ شما در عالم معنا، به شما تفهیم کرده اند که مصلحت در این است که شما کشته بشوید، ما دیگر در مقابلِ ایشان، حرفی نداریم.»

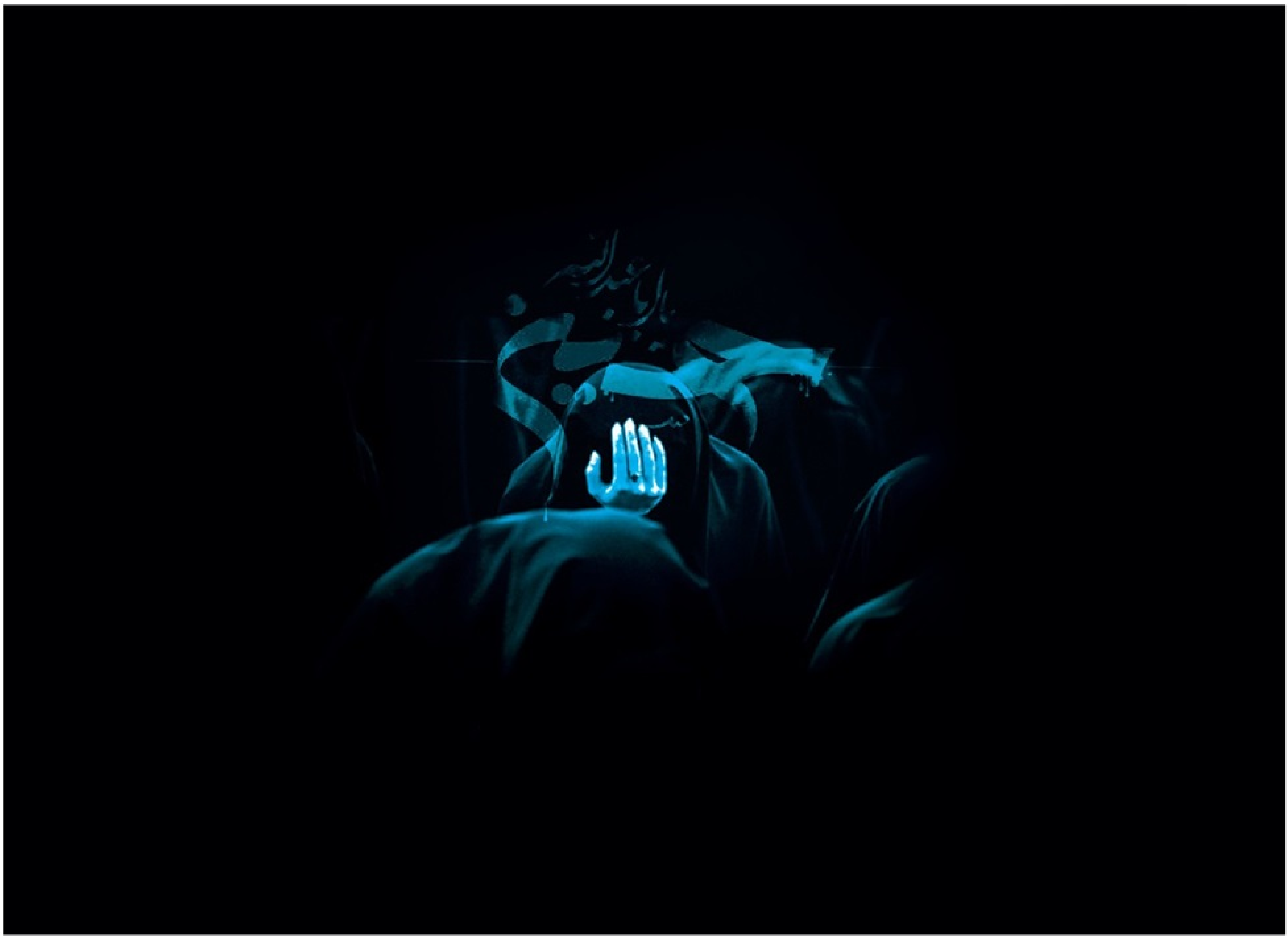
همهٔ کسانی هم که از اباعبدالله این جمله ها را می شنیدند، این جور نمی شنیدند که «... این مُقدّر است و من نمی توانم سرپیچی کنم.» اباعبدالله هیچ وقت به این شکل تلقّی نمی کردند. این طور نبود که وقتی از ایشان می پرسیدند: «چرا زن ها را می برید؟»، بفرمایند: «اصلاً، من در این قضیه بی اختیارم.» بلکه به این صورت می گفتند که با الهامی که از عالمِ معنا

به من شده است، چنین تشخیص داده ام که مصلحت در این است. این، کاری است که از روی اختیار انجام می دهم؛ ولی براساسِ آن چیزی که آن را مصلحت تشخیص می دهم.(1)

ص:15

1- . مرتضی مطهری، پیشین، ج17، ص395.

تصویر



ص:۱۶

۳. حکمت برپاداشتنِ مجلس عزا

تصویر



ص:۱۷

چرا ائمهٔ معصوم، این همه تأکید کردند که مجلس عزا به پا دارید؟

تکالیف شرعی بی حکمت نیست؛ منظورِ آنان این نبوده است که مجلس عزا برای خانـدان پیغمبر همـدردی و تسـلیتی باشد؛ بلکه مقصود این است که داستان کربلا، به صورتِ مکتبی تعلیمی و تربیتی، همیشه زنده بماند.

امام حسین برای منفعت شخصی کشته نشدند. نیز، امام برای این کشته نشدند که خودشان را فدای گناهانِ امّت کرده باشند. امام حسین در راهِ حق کشـته شدنـد؛ در راهِ مبارزه با باطل، کشـته شدنـد. ائمـهٔ دین خواسـتند که مکتب امام حسـین در دنیا باقی بمانـد. شـهادت امام حسـین، به صورت یک مکتب، مکتب مبارزهٔ حق با باطل، برای همیشه باقی بماند. وگرنه، چه فایده به حالِ امام حسـین دارد که ما گریه بکنیم یا نکنیم و چه فایده به حالِ خودِ ما دارد که صرفاً بنشینیم، گریه ای کنیم و بلند شویم و برویم.

ص:۱۸

محدّث نوری[1] از کامل الزیاره نقل می کند که حضرت صادق به عبدالله بن حماد بصری فرمودند: «به من خبر رسیده است که در نیمۀشعبان، گروهی از نواحیِ کوفه و مردمی دیگر، بر سرِ مزار امام حسین می آیند، زنانی برای آن حضرت نوحه گری می کنند، عده ای قرآن می خوانند، برخی حوادث کربلاـ را بیان می کنند، دسته ای نوحه گری می کنند و گروهی دیگر مرثیه می خوانند.» عرض کردم: «فدایتان شوم! آری؛ من نیز پاره ای از آنچه فرمودید، دیده ام.» فرمودند: «سپاس خدای را که در میان مردم، گروهی را قرار داد که به نزد ما می آیند، ما را می ستایند و برای ما مرثیه می خوانند، دشمنان ما را کسانی قرار می دهند که بر این کارِ ایشان خُرده می گیرند و خویشان ما یا غیرِ آنان را تهدید می کنند و اَعمال ایشان را زشت می شمرند.»

پس، معلوم می شود که فلسفۀ این کار، تهدید دشمن و تقبیحِ کارهای آنان است: تحسین

۱- . نوری، لؤلؤ و مرجان، ص۳.

این دسته و تشویق به این نوع کار و نیز، تقبیح آن دسته و ایجاد نفرت نسبت به آن نوع کار.(۱)

ائمۀ دین خواستند قیام امام حسین به صورت مکتب و مشعلی فروزان، همیشه باقی بماند. این چراغی است از حق، از حقیقت دوستی، از حقیقت خواهی؛ این ندایی است از حق طلبی، از حریّت، از آزادی. این مکتبِ حریّت و این مکتبِ آزادی و این مکتبِ مبارزه با ظلم را خواستند برای همیشه باقی بماند. در زمان خود ائمۀاطهار، صدور این دستور سبب شد که جریانی زنده و فعال و انقلابی به وجود آید. نام امام حسین شعار انقلاب علیه ظلم شد. (۲)

پس، اگر از ما بپرسند شما در روز عاشورا که «حسین، حسین» می کنید و به سرِ خودتان می زنید، چه می خواهید بگویید؟ باید بگوییم: «می خواهیم حرف آقایمان را بگوییم. هر سال، می خواهیم تجدیدحیات کنیم و عاشورا، روز تجدیدحیات ماست. در این روز، می خواهیم

۱- . مرتضی مطهری، پیشین، ج۱۷، ص۴۷۵.

۲- . همان، ج۲۵، ص۳۳۸.

در کوثر حسینی شست وشو کنیم؛ تجدیدحیات کنیم؛ روح خودمان را شست وشو دهیم؛ خودمان را زنده کنیم؛ از نو، مبادی و مبانیِ اسلام را بیاموزیم و روح اسلام را از نو، به

خودمان تزریق کنیم. ما نمی خواهیم حسّ امربه معروف و نهی ازمنکر، احساس شهادت، احساس جهاد و احساس فداکاری در راه حق، در ما فراموش شود. نمی خواهیم روح فداکاری در راه حق، در ما بمیرد.»

ص:۲۱

تصویر



ص:۲۲

۴. علت ذکر مصیبت

تصویر



بیشتر اوقات، به ویژه در ایام مصیبت، اگرچه به اشاره هم شده، ذکر مصیبت می کنم. جوانی از من پرسید آیا این کار، ضرورت یا حُسنی دارد؟ اگر بناست مکتب امام حسین احیا شود، آیا ذکر مصیبت امام حسین هم ضرورتی دارد؟

بله؛ ذکر مصیبت، دستوری است که ائمۀاطهار به ما داده اند و این دستور، فلسفه ای دارد و آن این است که هر مکتبی، اگر چاشنیِ عاطفه نداشته باشد و صرفاً مکتب و فلسفه و فکر باشد، آن قدرها در روح ها نفوذ نداشته و شانس بقا ندارد؛ ولی اگر مکتبی چاشنی پُری از عاطفه داشته باشد، همین عاطفه، به آن حرارت می دهد. معنا و فلسفۀ یک مکتب، آن مکتب را روشن می کند؛ به آن مکتب، منطق می دهد؛ آن مکتب را منطقی می کند. بی شک، مکتب امام حسین منطق و فلسفه دارد، درس دارد و باید آموخت؛ اما اگر دائماً این مکتب را صرفاً به صورت مکتبی فکری بازگو کنیم، حرارت و جوشش آن گرفته می شود و اساساً، کهنه می نماید.

ص:۲۴

این، نظرِ بسیار بزرگ و عمیقی بوده است؛ یک دوراندیشیِ فوق العاده عجیب و معصومانه ای بوده است که گفته اند برای همیشه، این چاشنی را شما از دست ندهید: چاشنی عاطفه، ذکر مصیبت حسین بن علی یا امیرالمؤمنین یا امام حسن یا ائمهٔ دیگر یا حضرت زهرا. این چاشنیِ عاطفه را باید حفظ و نگهداری کنیم. (۱)

ص:۲۵

۱- . همان، ج۱۶، ص۵۷.

تصویر



ص:۲۶

۵. حرکت های بازدارنده در نهضت عاشورا

تصویر



نقش نخبگان سیاسی و فرهنگی دربرابرِ نهضت امام حسین چگونه بود؟ و امام دربرابرِ این جریان ها چه واکنشی داشتند؟

از آغاز اِعلام تصمیم امام حسین به بیعت نکردن با یزید و به خصوص در مدت اقامتشان در مکه، چهره های شاخص و بنامی از امام درخواست تجدیدنظر کرده و پیشنهادهای مختلفی را به ایشان ارائه کردند تا مانع از قیام امام و حرکت ایشان به سمت عراق شوند. با توجه به گونه گونیِ افرادِ بازدارنده و تفاوت پیشنهادها، می توان آنان را در سه جریانِ زیر تقسیم کرد:

۵-۱ جریان خودی: در این جریان، می توان از چهره های هاشمی نظیر عبدالله بن عباس، عبداللّه بن جعفر و محمد حنفیّه یاد کرد؛ یعنی شخصیت های مثبتی که از همراهی امام

ص:۲۸

معذور بودند(۱) و در دیدارهای متعدد، با یادکرد از پیشینهٔ منفی کوفیان، امام را از رفتن به عراق برحذر داشتند.

امام حسین دربرابر محمد حنفیّه، وصیت نامهٔ خود را نوشتند و در آن تصریح کردند: «تنها به انگیزهٔ سامان بخشی در دین امّت جدم، برخاستم.»(۲)

نیز، در پاسخ به عبدالله بن جعفر، شبههٔ اختلاف انگیزیِ حرکت امام را که عده ای مطرح می ساختند، این چنین شُستند: «کسی که مردم را به خدا و رسول او می خواند و عمل

۱- . البته، این پرسش مطرح است که چرا این سه شخصیت فرهیخته، امام را همراهی نکردند. در پاسخ، می توان این گونه گفت که عبدالله بن جعفر از شرکت در جنگ معذور بود؛ اما فرزندانش را به کربلا فرستاد. (عبدالله ممقانی، تنقیح المقال، ج۲، ص۱۷۳) به گفتهٔ برخی مورخان، او در آن مقطع، نابینا شده بود. (نقدی، زینب الکبری، ص۸۷) دربارهٔ محمد بن حنفیه نیز چنین ادعا کرده ا ند که او بیمار بوده و قادر به مشارکت در این حماسه نبوده است. (علامه حلّی، المسائل المهنائیه، ص۳۸) عبدالله بن عباس نیز گویا در ماه های پایانی سال ۶۰، مشکل بینایی داشت. حتی او را نابینا دانسته اند و این بیماری، او را در همراهی با امام معذور می ساخت. (تنقیح المقال، ج۲، ص۱۹۱) (طبسی، الامام الحسین فی مکه المکرمه، ج۲، ص۲۴۴و۲۴۵)

۲- . بحارالانوار، ج۴۴، ص۳۲۹.

صالح انجام می دهد، اختلاف و دشمنی نمی آفریند.» و چون در نامهٔ پسر جعفر، سخن از امان ستاندن بود، امام بهترین امان را امان خداوند دانستند.(۱)

همچنین، امام در پاسخ به عبداللّه بن عباس، فرمودند: «آنان دست از من برندارند، هرجا باشم مرا بجویند تا با ناخوشایندی، بیعتشان کنم و مرا بکشند. به خدا سوگند آنان بر من ستم کنند و من در فرمان پیامبر خدا به همان سان که فرمود، خواهم بود. إنّا لِله و إنّا الیه راجعون.»(۲)

۵-۲ جریان دلسوز: این گروه را نمی توان بداَندیش دانست؛ آنان جریانی بودند که خیرخواهانه، پیشنهاد تجدیدنظر در تصمیم را به امام ارائه کردند و امام نیز به فراخورِ سخنان و نصایح، پاسخ ایشان را فرمودند.

۱- . وقعه الطف، ص۱۵۵.

۲- . محمدمهدی حائری، معالی السبطین، ج۱، ص۲۴۶.

عبدالله بن مطیع عدوی، اوزاعی، ابوسعید خدری و مسوّر بن مُخرمه(۱) در این جریان قرار دارند. همچنین، از فردی به نام عمر بن عبدالرحمن مخزومی یاد کرده اند که در مکه، نزد امام حسین آمد؛ امام او را بداَندیش نمی دانستند و اندرزش را «ناپسند» نمی انگاشتند.(۲) عمر بن عبدالرحمن چون نگرانی خود را از پیمان شکنیِ کوفیان و جنگ با حضرت اعلام داشت، امام در پاسخ، او را دعا کردند و فرمودند: «می دانم رفتارت خیرخواهانه و سخنت سنجیده است؛ هرچه مقدّر شده، رخ خواهد داد؛ چه به نظر تو عمل کنم، یا نه؛ و تو نزد من پسندیده ترین پنددِه و خیرخواه ترین اندرزگویی.»(۳)

۵-۳ جریان فرصت طلب: چهره هایی در این جریان یافت می شدند که دلسوزِ امام نبودند و فقط چهرهٔ ناصحان را بر خود داشتند! عبدالله بن زبیر فردی است که به بنی هاشم بغض

ص:۳۱

۱- . دینوری، الاخبار الطوال، ص۲۲۸؛ طبری، دلائل الامامه، ص۷۵؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج۸، ص۱۶۳و۱۶۵.

۲- . «ما أظنک بسیّ الرای و لا هو للقبیح من ألامر و الفعل.»، تاریخ طبری، ج۳، ص۲۹۴.

۳- . الفتوح، ص۸۶۷.

تصویر



ص:۳۲

می ورزید و امیرمؤمنان را دشنام می داد.(۱) او هم از امام درخواست کرد که در مکه بمانـد و به عراق نرود؛(۲) حال آنکه به گفتهٔ مورّخان، پسـر زبیر از حضور امام حسین در مکه دل خوش نبود و طمع داشت که با او بیعت کنند. او «هر روز به خدمت امام می آمد و می دانست که با حضور آن حضرت،

هیچ کس رغبتِ بیعتِ او نکند.»(۳) زمانی که امام عزمِ حرکت از مکه کرد، ابن عباس به پسـر زبیر گفت که آنچه دوست داشتی، اتفاق افتاد! و برای او خواند: «ای پرنده! محیط برایت آماده شد. فضا برایت فراهم شد... تخم بگذار و بخوان. هرچه خواهی دانه برچین.»(۴)

عبدالله بن عمر نیز چهرهٔ مرموزی داشت. او برای ترغیب امام حسین به بیعت با یزید،

۱- . علی نمازی، مستدرکات علم رجال الحدیث، ج۵، ص۱۸.

۲- . وقعه الطف، ص۱۵۲.

۳- . الفتوح، ص۸۳۷.

۴- . سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص۲۰۶.

سه دیدار با حضرت داشت(۱) و از ایشان درخواست کرد که مانند همهٔ مردم، رهِ صلح پیش گیرد!(۲) امام نیز در یکی از پاسخ های خود، چنین فرمودند: «إتق اللّه یا اباعبدالرحمن و لاتَدعّن نُصرتی.» (= ای اباعبدالرحمن، از خدا بترس و از یاری ام دست برندار.)(۳) عبدالله بن عمر نه تنها امام را یاری نکرد، بلکه پس از شهادت ایشان، نامه ای به یزید نگاشت و ضمن پذیرش خلافتش، با وی بیعت کرد.(۴)

۱- . ترجمه الامام الحسین، تاریخ ابن عساکر، ص۲۰۰.

۲- . خوارزمی، مقتل الحسین، ج۱، ص۱۹۰و۱۹۱.

۳- . اللهوف، ص۳۲.

۴- . عسقلانی، فتح الباری، ج۱۳، ص۵۹.

تصویر



ص:۳۵

تصویر



نسخهٔ دیجیتالی رهنما
مرکز پخش: مشهد مقدس، نبش ورودی باب الجواد(ع)
فروشگاه عرضهٔ محصولات رضوی
تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴

ص:۳۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹
امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹